

نگرشی تطبیقی به نقش بزه‌دیده در قطع زنجیره سببیت در فقه و حقوق ایران و حقوق انگلستان

پیام فروزنده^۱

فرید محسنی^۲

چکیده

رکن مادی برخی از جرائم که موصوف به جرائم مقید می‌باشند، نیازمند تحقق نتیجه خاصی است که بدون تحقق آن نتیجه، جرم محقق نخواهد شد. در این گونه جرائم، علاوه بر احراز نتیجه، باید رابطه سببیت میان رفتار مجرمانه و نتیجه نیز احراز شود. با احراز رابطه سببیت، برخی عوامل نیز وجود دارند که وارد این رابطه شده؛ این زنجیره را قطع می‌کنند و باعث پیچیدگی بیشتر احراز این رابطه می‌گردند. بزه‌دیده یکی از عوامل دخیل در معمای جرم است که تحت شرایطی می‌تواند قاطع رابطه سببیت باشد.

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، در پاسخ به این سوال که بزه‌دیده تحت چه شرایطی می‌تواند زنجیره سببیت را قطع نماید، موضوع را در فقه و حقوق ایران بررسی کرده و با دیدگاه‌های حقوق انگلستان تطبیق داده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که شرایط جسمانی و روانی بزه‌دیده، هرچند نامتعارف باشد، زمینه‌ساز وقوع نتیجه بوده و قاطع رابطه سببیت نیست. همچنین از منظر فقه و حقوق ایران، تنها رفتار ارادی و آگاهانه بزه‌دیده می‌تواند رابطه سببیت میان رفتار متهم و نتیجه را قطع کند؛ در حالی که در حقوق انگلستان، رفتار بزه‌دیده افزون بر ارادی و آگاهانه بودن، باید آزادانه نیز باشد، تا بتواند قاطع رابطه سببیت باشد.

واژگان کلیدی: رابطه سببیت، علیت، بزه‌دیده، قاعده جمجمه نازک، سبب،

شرط.

۱. قاضی دادگستری و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
forouzanpayam@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری دادگستری، تهران، ایران.
mohseni@ujsas.ac.ir

درآمد

اولین قدم در شناسایی مجرمیت یک شخص، احراز اصل وقوع جرم است و اصولاً زمانی می‌توان تحقق بزه را احراز کرد که ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی جرم در یک‌جا جمع شوند.^۱ از سوی دیگر، رکن مادی برخی از جرائم، مقید به تحقق نتیجه خاصی شده است؛ به این معنا که مقنن وقوع آن جرم را منوط به تحقق نتیجه مشخصی می‌داند که بدون تحقق آن نتیجه و به صرف ارتکاب رفتار مجرمانه، جرم واقع نمی‌شود. از جمله مهم‌ترین جرائم مقید، جرائم علیه تمامیت جسمانی است که عده‌ای از حقوق‌دانان (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶: ۷۷)، تمامی این دسته از جرائم را مقید به نتیجه می‌دانند.

آنچه که جرائم مقید را از دیگر جرائم متمایز می‌کند، نه در دشواری احراز تحقق نتیجه، بلکه در احراز رابطه سببیت است که به ادعان بسیاری از حقوق‌دانان، از جمله دشوارترین و مشکل‌ترین مباحث حقوق است. پیچیدگی مباحث مربوط به علیت تا حدودی به مناقشات فلاسفه در باب رابطه علیت مرتبط است، اما حقوق‌دانان به دنبال دقت‌های عقلی در خصوص موضوع یا کاوش‌های علمی نیستند و رابطه علیت را با اتکا بر تعمیمات عقل سلیم بررسی می‌کنند (هارت و هونوره، ۱۳۹۲: ۱۱) و این یک قاعده عقلی و منطقی است که هر شیء نیازمند علت است و این علت باید مقدم بر آن باشد (یزدانیان، ۱۳۷۹: ۱۴۲).

رابطه علیت یا رابطه سببیت در حقوق به معنای پیوستگی رفتار به نتیجه است؛ یعنی این نتیجه از آن رفتار حاصل شده باشد؛ به گونه‌ای که تحت تأثیر عامل خارجی واقع نشده و هیچ چیزی این پیوستگی را قطع نکرده باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۲۱۹) و بتوان گفت که این نتیجه معلول رفتار ارتكابی توسط مرتکب است. رابطه سببیت یکی از ارکان مهم مسؤولیت کیفری و مدنی و نقطه اشتراک این دو مسؤولیت است که بدون احراز آن، هیچ یک محقق نمی‌شود (وجدانی فخر و وجدانی فخر و الهی‌منش، ۱۴۰۱: ۲۱۱). تبیین دقیق مفهوم رابطه سببیت نیازمند بحث‌های مفصلی است که از حوصله این نوشتار خارج است.

۱. برای احراز برخی از جرائم که با عنوان جرائم مادی صرف شناخته می‌شوند، نیازی به احراز رکن معنوی وجود ندارد.

برای احراز رابطه سببیت، معیارهای مختلفی ارائه شده است که برخی از آنها مربوط به رابطه سببیت علمی و فلسفی است و حاصل دقت‌های عقلی در موضوع است؛ در حالی که معیار اصلی در شناسایی رابطه سببیت در حقوق، داوری عرف است و نمی‌توان مسؤولیت کیفری را که بر مبنای سرزنش‌پذیری رفتار مرتکب است، توسط سببیت علمی و فلسفی احراز کرد؛ به همین دلیل گفته شده است که: «تعیین رابطه علیت بین خطا و زیان یک امر موضوعی است که باید به خردمندی و حسن قریحه قضات محول شود» (علی‌آبادی، ۱۳۷۳: ۶۵). فقها نیز ملاک برای احراز رابطه سببیت را صدق انتساب اتلاف به مرتکب می‌دانند (عراقی، ۱۴۱۴/۴: ۵۶) که احراز آن با عرف است. از سوی دیگر، امروزه در کامن‌لا نیز رابطه سببیت یک امر واقعی و عرفی در نظر گرفته می‌شود که احراز آن بر عهده هیأت منصفه قرار گرفته است؛ و نه متخصصان و دانشمندان (Lippman, 2010: 134). در همین راستا، توجه به ضوابط روانی هم‌چون عمد و تقصیر، امکان پیش‌بینی رفتار سایر اسباب در زنجیره علل، شدت و ضعف عناصر روانی و توجه به آخرین فرصت اجتناب، مواردی است که داوری عرف را در رابطه سببیت دخیل می‌کنند (خسروی سلیم، ۱۳۹۹: ۸۵).

چنانچه رفتار مجرمانه متهم را یک نقطه شروع و نتیجه را نقطه پایان تصور کنیم که رابطه علیت این دو را به هم وصل کرده است، ممکن است عوامل متعددی در این رابطه وارد شوند که برخی از این عوامل باعث از هم گسیختن این زنجیره می‌شوند و رابطه سببیت بین آن عامل مداخله‌کننده جدید و نتیجه برقرار می‌گردد؛ برخی دیگر از عوامل نیز ضمن عدم از هم گسیختن رابطه سببیت اولیه، خود نیز به فهرست اسباب اضافه می‌شوند و برخی عوامل، لطمه‌ای به زنجیره سببیت نمی‌زنند و خود نیز سبب محسوب نمی‌گردند. این عامل جدید می‌تواند رفتار جدید بزه‌کار، رفتار بزه‌دیده یا شخص ثالث و یا حتی عوامل و حوادث بیرونی باشد.

بزه‌دیده به عنوان شخصی که به طور مستقیم از وقوع جرم آسیب دیده و در واقع نتیجه مجرمانه بر روی او واقع شده است، نقش مهمی در احراز رابطه سببیت و قواطع آن دارد؛ با این توضیح که احراز تحقق نتیجه بدون توجه به بزه‌دیده ناممکن به نظر می‌رسد و شرایط خاص مربوط به بزه‌دیده و رفتارهایی که وی بعد از

ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی بزهکار از خود بروز می‌دهد، این پرسش را در ذهن تحلیل‌گران مسائل حقوقی از جمله مقام قضایی برمی‌انگیزد که در چه صورتی این عوامل رابطه سببیت میان رفتار بزهکار و نتیجه مجرمانه را قطع می‌کند و نتیجه به خود بزه‌دیده منتسب خواهد شد.

با وجود اهمیت و پیچیدگی مسائل مربوط به سببیت در حقوق کیفری و انجام پژوهش‌های متعدد در این حوزه؛ به ویژه در سال‌های اخیر^۱، موضوع حاضر یعنی نقش بزه‌دیده در قطع زنجیره سببیت بررسی نشده است؛ این در حالی است که مباحث ارزشمندی در این خصوص در فقه امامیه مطرح شده است. از سوی دیگر، مطالعه حقوق کیفری انگلستان، به عنوان یک حقوق کیفری مبتنی بر رویه قضایی و دارای پیشینه قابل توجه، به غنای تحقیق خواهد افزود.

پژوهش حاضر، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی، ابتدا تأثیر شرایط بزه‌دیده اعم از جسمانی و روحی و شرایط متعارف و غیر متعارف وی در احراز رابطه سببیت و قاطع بودن یا نبودن آن‌ها را در فقه و حقوق کیفری ایران و انگلستان بررسی می‌کند و سپس نقش رفتار بزه‌دیده در قطع یا عدم قطع زنجیره سببیت را تحلیل می‌نماید تا از این طریق مشخص شود فعل یا ترک فعل بزه‌دیده با چه شرایطی می‌تواند زنجیره سببیت موجود بین رفتار بزهکار و نتیجه مجرمانه را قطع کند.

۱. شرایط بزه‌دیده

بزه‌دیده‌ای که موضوع جرم واقع می‌شود و نتیجه مجرمانه بر روی او رخ می‌دهد، دارای شرایط و ویژگی‌هایی است که از هر بزه‌دیده‌ای نسبت به بزه‌دیده دیگر متفاوت است. هر بزه‌دیده از نظر ویژگی‌های جسمانی مانند سن، وزن، قد، توانایی جسمانی و شرایط سلامت جسمانی؛ و ویژگی‌های روانی از جمله شجاعت و تحمل‌پذیری روانی در برابر حوادث، متفاوت از دیگری است. حال پرسش این است که آیا این شرایط می‌تواند قاطع زنجیره سببیت باشد. چنانچه شرایط جسمانی و روانی موجود در بزه‌دیده در حدی غیر متعارف باشد که بزهکار نتواند وقوع نتیجه

۱. برای نمونه، یکی از نویسندگان مقاله حاضر، سابق بر این با همکاری نویسنده دیگری، مقاله‌ای با عنوان رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در همین مجله نگاشته است (محسنی و ملکوتی، ۱۳۹۴) که در آن به تعریف رابطه سببیت و نحوه احراز آن پرداخته شده است. لکن در تحقیق پیش رو با نگاهی تطبیقی، به نقش بزه‌دیده در رابطه سببیت تمرکز شده است.

را پیش‌بینی کند، آیا این شرایط می‌توانند قاطع رابطه سببیت باشند؟

۱-۱. در فقه و حقوق ایران

برای تحلیل ماهیت شرایط بزه‌دیده به عنوان عامل مطرح در رابطه سببیت، لازم است ابتدا توضیحاتی در خصوص انواع عوامل دخیل در رابطه سببیت (مباشر، سبب و شرط) و کارکرد و تعریف آن‌ها ارائه شود تا مشخص گردد که شرایط خاص بزه‌دیده در کدام یک از این دسته بندی‌ها قرار می‌گیرد.

در کتب اولیه فقهی، نشانی از تمایز میان مباشر، سبب و شرط مشاهده نمی‌شود؛ زیرا این کتب مبتنی بر متون روایات بودند که سعی می‌شد تا حد امکان از عین عبارات روایات استفاده شود (قیاسی، ۱۳۹۴: ۵) و در متن روایات، لفظ مباشرت یا تسبیب نیامده و فقط از لفظ عمد و خطا استفاده شده است (مغنیه، ۱۴۲۱/۶: ۳۰۹). متعاقباً برخی فقها با ارائه مثال‌هایی در ابواب غضب، قصاص و دیات، سعی در تفکیک مباشر، سبب و شرط نمودند.^۱

شناسایی مباشر و درک معنای آن دشواری ندارد و مباشر کسی است که به طور مستقیم مرتکب جرم می‌شود. ملاک مستقیم یا غیر مستقیم بودن نیز عرف است (قیاسی، ۱۳۹۴: ۶)، اما شناسایی سبب و شرط و تفکیک این دو از هم دشواری‌هایی دارد. برای نمونه، فقها در تعریف سبب گفته‌اند: «آن چیزی است که نتیجه از آن حاصل می‌شود، لکن علت تحقق نتیجه چیز دیگری است» (علامه حلی، ۱۴۲۰/۵: ۵۳۹؛ محقق حلی، ۱۴۱۸/۲: ۳۰۶) و به عبارت دیگر، سبب موجب تحقق نتیجه می‌شود، لیکن علت تامه یا جزء اخیر علت تامه تحقق نتیجه نمی‌باشد و در صورت نبودن آن، نتیجه نیز محقق نمی‌شود (بجنوردی، ۱۴۰۱/۱: ۱۲-۱۳). در تعریف شرط نیز گفته‌اند: «شرط آن چیزی است که هیچ‌گاه موجد قصاص نمی‌شود و با تحقق شروطی تنها می‌تواند موجب دیه شود؛ زیرا قتل عمد به شرط صدق نمی‌کند و مراد از آن چیزی است که تأثیر مؤثر منوط به آن است، ولی در علت تحقق نتیجه ورود پیدا نمی‌کند؛ به این معنی که تأثیری در آن ندارد» (نجفی، ۱۴۰۴/۴: ۱۸)؛ یعنی سبب و شرط هر دو اگر نباشند، نتیجه محقق نمی‌شود. اما در تفاوت میان شرط و سبب می‌توان گفت شرط آن چیزی است که تأثیر علت موقوف بر آن است، اما مدخلیتی

۱. برای مثال بنگرید به: فاضل هندی، ۱۴۱۶/۱: ۱۴-۲۳.

در علیت و تولید نتیجه ندارد و نه به واسطه و نه بدون واسطه موجب ضمان نمی شود (مرعشی، ۱۳۸۵/۱: ۱۲۰)؛ در حالی که نتیجه به سبب منتسب می شود. با این وجود در مصادیق سبب و شرط اختلاف است. شناسایی شرط و سبب از امور شرعی تعبدی که معنای آن در شرع آمده باشد نیست، بلکه از امور عرفی است که تشخیص آن با مراجعه به عرف انجام می پذیرد (سبزواری، ۱۳۸۳/۲۱: ۳۵۳). در تحلیل عرفی نیز تمایز دقیقی میان سبب و شرط وجود ندارد و از دیدگاه عرف، عواملی را که نتیجه را منتسب به آن‌ها نمی داند، اما اگر این عوامل نبودند، نتیجه هم محقق نمی شد، می توان شرط نامید.

از جمله مهم ترین شروط، ویژگی های جسمانی و روانی بزه دیده است؛ اگر چه که در صورت نبود این عوامل، نتیجه محقق نمی شود، اما این عوامل به خودی خود نمی توانند موجب تحقق نتیجه شوند و از سوی دیگر، عرفاً نتیجه به این عوامل منتسب نمی گردد؛ برای مثال، شخصی که به طور مادرزادی دارای بیماری قلبی است و در اثر ترسانده شدن توسط شخص دیگر فوت می کند، هر چند ترساننده از شرایط قلبی بزه دیده مطلع نباشد، باز عرف او را مسؤو ل قتل می شناسد. در این مثال، اگر چه که در صورت نبود بیماری قلبی بزه دیده، نتیجه محقق نمی شد، اما قتل به بیماری قلبی و در نتیجه به بزه دیده منتسب نمی شود. در واقع بیماری قلبی بزه دیده، به عنوان شرایط جسمانی خاص وی، باعث تأثیر عامل دیگر (ترس) شده است که نتیجه نیز به آن عامل مستند است.

در فقه امامیه، فقها شرایط خاص موجود در بزه دیده را نافی رابطه سببیت میان رفتار بزه کار و نتیجه ندانسته اند. برای مثال، نظر مشهور فقهای امامیه این است که اگر شخصی علیه دیگری رفتاری انجام دهد که نوعاً کشنده نیست؛ مانند این که وی را با چوبی نازک یا عصای نازک و بدون قصد قتل بزند و او اتفاقاً فوت کند، قتل شبه عمد محسوب می شود (محقق حلی، ۱۴۰۸/۴: ۱۸۰؛ علامه حلی، ۱۳۸۳/۳: ۵۸۲؛ جبعی عاملی، ۱۴۰۱/۱۰: ۱۷؛ همو، ۱۳۸۳/۱۵: ۶۸؛ خویی، ۱۳۸۲/۴۲: ۴-۵). این اتفاقی بودن فوت مجنی علیه می تواند در نتیجه شرایط جسمانی یا روانی خاص بزه دیده باشد. در واقع، اگر بزه دیده به علت بیماری، صغر یا کبر سن و مانند آن‌ها ضعیف باشد و در اثر صدمه ای که نوعاً کشنده نیست فوت کند، اگر مرتکب به شرایط بزه دیده آگاه باشد،

قتل عمد و در غیر این صورت، شبه عمد تلقی می‌شود (موسوی خمینی، بی‌تا/۲: ۵۰۹)؛ یعنی صرف نظر از نوع قتل که وابسته به رکن معنوی بزه‌کار است، اصل قتل به مرتکب منتسب است. در این خصوص گفته شده است این‌گونه موارد می‌تواند عمد را منتفی کند، اما تأثیری در صدق عرفی قتل به رفتار ندارد (نجفی، ۴/۱۴۰۴: ۱۷)؛ در نتیجه مسؤولیت شخص میان قصاص و دیه خواهد بود.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به تبعیت از نظرات فقهای عظام، در بند پ ماده ۲۹۰^۱، فرضی را که بزه‌کار با علم و اطلاع از شرایط خاص بزه‌دیده که زمینه تأثیر رفتار بزه‌کار را فراهم می‌کند، اقدام نماید، جنایت عمدی تلقی کرده و در تبصره ۲ این ماده^۲ نیز اصل را بر عدم اطلاع بزه‌کار از این شرایط می‌داند، لیکن وفق بند الف ماده ۲۹۱^۳، رفتار بزه‌کار بدون اطلاع از این شرایط، جنایت شبه عمد محسوب می‌شود. این شرایط شامل موارد نامتعارف جسمانی و روانی بزه‌دیده است (آقایی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳۱). مقنن به درستی این نکته را مورد نظر قرار داده است که شرایط منحصر به فرد بزه‌دیده که زمینه اثرگذاری رفتار بزه‌کار را مهیا می‌کند، شرط محسوب می‌شود و در رابطه سببیت بین رفتار بزه‌کار و نتیجه مجرمانه مؤثر نیست؛ زیرا کشف رابطه سببیت، معمایی مربوط به رکن مادی بزه و عدم اطلاع از شرایط مجنی‌علیه، مربوط به رکن معنوی بزه می‌شود که این عدم اطلاع می‌تواند موجب تغییر وصف بزه از عمد به غیر عمد شود، اما قاطع رابطه سببیت نخواهد بود.

۱. ماده ۲۹۰: جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... پ- هرگاه مرتکب قصد ارتکاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیروی یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آن‌که مرتکب به وضعیت نامتعارف مجنی‌علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد ...

۲. تبصره ۲: در بند (پ) باید آگاهی و توجه مرتکب به این‌که کار نوعاً نسبت به مجنی‌علیه، موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌شود ثابت گردد و در صورت عدم اثبات، جنایت عمدی ثابت نمی‌شود.

۳. ماده ۲۹۱: جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود: الف- هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته لکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد و از مواردی که مشمول تعریف جنایات عمدی می‌گردد، نباشد ...

۱-۲. حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، قاعده‌ای پذیرفته شده وجود دارد که از آن به قاعده «جمجمه نازک»^۱ یا «جمجمه پوسته تخم مرغی»^۲ تعبیر می‌شود. این قاعده که از پرونده مشهور شاهد یهوه^۳ استخراج شده است، به این معناست که «ایجاد کننده ضرر نمی‌تواند ادعا کند ضرری که او ایجاد نموده است، به خاطر ضعف غیر قابل پیش‌بینی موجود در زیان دیده؛ مانند داشتن جمجمه بسیار نازک، تشدید شده است، بلکه وی مکلف است بزه‌دیده خود را آن‌گونه که هست بپذیرد» (Martin, 2003: 167-168)؛ یعنی وجود شرایط خاص در بزه‌دیده که باعث می‌شود، او آسیب‌های شدیدتری نسبت به اشخاص عادی که فاقد آن شرایط هستند، متحمل شود، مانع از انتساب بزه به متهم نیست (Harpwood, 2009: 182). برای مثال، طبق این قاعده، اگر شخصی با بی‌پروایی جراحی را در شخصی ایجاد کند که بعداً مشخص شود که آن شخص مبتلا به بیماری هموفیلی بوده است، وارد کننده جراحات مسئولیت تمام زیان را در قبال بزه‌دیده خواهد داشت (Garner, 1999: 533). طبق این قاعده، اگر بزه‌دیده برای مثال دارای استخوان جمجمه بسیار نازکی باشد که هیچ‌کس از جمله بزه‌کار نیز از این مسأله مطلع نباشد و بزه‌کار با یک چوب بیس‌بال به سر وی ضربه وارد کند و او بمیرد؛ به گونه‌ای که اگر جمجمه بزه‌دیده ضخامت طبیعی داشت، آن ضربه موجب مرگ وی نمی‌شد، باز هم بزه‌کار مسؤول قتل او است و نتیجه مستند به رفتار وی می‌باشد (Jefferson, 2015: 57). در واقع، شرایط بزه‌دیده تنها باعث تشدید یا تسریع نتیجه شده است و چنین عواملی نمی‌توانند قاطع رابطه سببیت باشند. این اصل که بزه‌کار باید بزه‌دیده خود را آن‌گونه که هست بپذیرد، در خصوص شرایط جسمانی وی به طور سنتی در حقوق انگلستان وجود داشته است و استدلال مطرح در پرونده شاهد یهوه، محدوده این شرایط را فراتر از شرایط جسمانی می‌برد و احساسات، عقاید و شرایط روانی بزه‌دیده را نیز داخل در این اصل می‌کند (Herring, 2012: 35) که بزه‌کار باید این شرایط بزه‌دیده را هم بپذیرد. برای مثال، شخصی از نظر روانی در حالت بسیار حساسی قرار دارد و فرد دیگر بر سر او فریاد

1. Thin skull rule.

2. Eggsell skull rule.

۳. در قسمت بعدی مقاله، این پرونده به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

می‌کشد و بر اثر آن وی می‌میرد؛ این اقدام فریاد زنده برای افراد متعارف جامعه کشنده محسوب نمی‌شود، اما طبق قاعده موصوف، شخص مسؤل نتیجه پدید آمده می‌باشد.

برخی به این گسترش میزان مسؤولیت اشخاص انتقاد کرده و بیان داشته‌اند که شخص باید تنها مسؤل نتایجی باشد که بتواند آن‌ها را پیش‌بینی کند و مسؤولیت شخص در قبال نتایج غیر قابل پیش‌بینی، غیر منصفانه است (Herring, 2012: 36)؛ اما باید توجه داشت که مسؤولیت شخص در قبال بزه‌دیده اعم از کیفی و مدنی است و غیر قابل پیش‌بینی بودن نتیجه برای شخص ایجاد کننده نتیجه، تنها او را از سرزنش پذیری رفتارش نجات می‌دهد، اما رابطه سببیت میان رفتار وی و نتیجه پدید آمده هم‌چنان موجود بوده و وی مسؤولیت مدنی جبران خسارت در برابر بزه‌دیده را بر عهده دارد؛ به عبارت دیگر، رابطه سببیت مربوط به رکن مادی است که شرایط بزه‌دیده قاطع این رابطه نیست، اما برای اثبات مسؤولیت کیفی، بسیاری از جرائم نیازمند اثبات رکن معنوی نیز هستند که با اثبات عدم اطلاع شخص از شرایط خاص جسمانی یا روانی بزه‌دیده، وی مسؤولیت کیفی نخواهد داشت.

۲. رفتار بزه‌دیده

از دیگر عواملی که ممکن است میان رفتار بزه‌کار و تحقق نتیجه مجرمانه واقع شود، رفتار بزه‌دیده است که می‌تواند از نوع فعل یا ترک فعل، متعارف یا غیر متعارف و ارادی یا غیر ارادی باشد. در این قسمت، ویژگی‌های رفتار بزه‌دیده که برای قاطع زنجیره سببیت بودن لازم است، شناسایی می‌شود.

۲-۱. در فقه و حقوق ایران

در فقه امامیه، رفتار بزه‌دیده تحت شرایطی قاطع رابطه سببیت محسوب شده است؛ برای مثال، فقها بیان می‌دارند اگر شخصی دیگری را در آب بیندازد و او با وجود توان خارج شدن از آب، از آن خارج نشود، مرتکب قصاص نمی‌شود و بزه‌دیده مستحق دیه نیز نمی‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷-۲۸؛ جمعی عاملی، ۱۴۰۱: ۲۰)؛ زیرا در این فرض، نتیجه منتسب به خود بزه‌دیده است (خویی، ۱۴۲۲: ۶). در مثالی دیگر بیان شده است که اگر شخصی دیگری را در آتش اندازد و او با وجود قدرت بر خروج از آتش، از آن خارج نشود، دیه و قصاص منتفی است؛ زیرا نتیجه به

خود شخص منتسب است و اصل بر برائت ذمه است و برای تعلق گرفتن چیزی بر ذمه شخص نیاز به دلیل است که در این خصوص چنین دلیلی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۷/۵: ۱۶۲). البته در این فرض گفته شده است که احتمال ثبوت دیه وجود دارد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های آتش آن است که با برخورد با انسان، در قوه تعقل وی اثر می‌گذارد و مانع از این می‌شود که شخص از آن بیرون آید (جبعی عاملی، ۱۰/۱۴۱۰: ۲۰).

نکته دیگر در خصوص عدم مداوای جرح است که مشهور فقهای امامیه بر این عقیده هستند که اگر شخصی به دیگری جرحی وارد کند و شخص مجروح با وجود توان برای مداوا، این کار را انجام ندهد و بمیرد، قتل به ایجاد کننده جرح استند است و وی در قبال مقتول ضامن است (جبعی عاملی، ۱۰/۱۴۰۱: ۲۱؛ نجفی، ۱۴۰۴/۴۲: ۲۷)؛ در توجیه این نظر گفته شده است که با ایجاد جرح، مقتضی ایجاد نتیجه به وجود می‌آید و عدم مداوا تنها عدم ایجاد مانع است و مانع هر چند عمداً ایجاد نشود، رابطه سببیت میان مقتضی و نتیجه را قطع نمی‌کند و نتیجه به مقتضی منتسب می‌گردد؛ زیرا عدم ایجاد مانع، یک امر عدمی است و نتیجه که یک وجود است، نمی‌تواند از عدم حاصل شود (خویی، ۱۴۲۲/۴۲: ۶). در واقع، ترک مداوا یک ترک فعل است که نتیجه به صدمه اولیه برمی‌گردد.

به نظر می‌رسد تفکیک فوق ناشی از استدلال‌های فلسفی، عدم امکان عقلی ایجاد وجود از عدم است که سابقه طولانی آن در بحث‌های جرائم ترک فعلی قابل ملاحظه است،^۱ اما اصل کلی آن است که اقدام آگاهانه و ارادی بزه‌دیده می‌تواند قاطع زنجیره سببیت شود.

مقنن در قانون مجازات اسلامی از این اصل بهره برده است و در جایی که بزه‌دیده با اقدام آگاهانه و ارادی رابطه سببیت را قطع می‌کند، نتیجه را به خود بزه‌دیده منتسب می‌داند؛ برای مثال، وفق ماده ۵۰۷ قانون مذکور «هرگاه شخصی در معابر و اماکن عمومی یا ملک دیگری بدون اذن مالک، گودالی حفر کند یا چیز لغزنده‌ای در آن قرار دهد و یا هر عملی انجام دهد که سبب آسیب دیگری گردد، ضامن دیه است مگر این‌که فرد آسیب‌دیده با علم به آن و امکان اجتناب، عمداً با آن برخورد نماید»؛ و

۱. برای مثال بنگرید به: Herring, 2012: 24-35؛ Ashworth, 2013: 31-78.

ماده ۳۵۷ همین قانون نیز اصل کلی را این‌گونه بیان می‌کند که «در کلیه موارد مذکور در این فصل، هرگاه جنایت منحصرأ مستند به عمد یا تقصیر مجنی علیه باشد، ضمان ثابت نیست ...».

این امر در رویه قضایی ایران نیز پذیرفته شده است که اگر بزه‌دیده خود مرتکب خطا شده باشد و نتیجه منتسب به او باشد، جانی مسؤول نیست (شیری، ۱۴۰۱: ۱۵۴). انتساب یا عدم انتساب نیز به وسیله عرف تعیین می‌شود و در عرف اصولاً رفتار آگاهانه و عامدانه بزه‌دیده قاطع سببیت محسوب می‌گردد؛ برای مثال، اگر پس از ورود جراحت، بزه‌دیده خود اقدام به خودکشی کند، عرف نتیجه (مرگ) را به بزه‌دیده منتسب می‌داند و جراح فقط در خصوص جراحتی که پدید آورده بود، مسؤول شناخته می‌شود؛ در حالی که رفتارهای بدون اختیار بزه‌دیده، قاطع رابطه سببیت نیست؛ برای مثال، ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص در اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیر عمدی مسؤول است».

۲-۲. حقوق انگلستان

جنبه دیگر قاعده مجمله نازک آن است که اقدامات غیر قابل پیش‌بینی بزه‌دیده که در پی اقدام غیر قانونی متهم انجام می‌پذیرد، زنجیره سببیت را قطع نمی‌کند. این امر در پرونده معروف شاهد یهوه^۱ مطرح شد که در آن متهم، بزه‌دیده را در یک درگیری خیابانی با چاقو مجروح کرد و شخص مجروح که شاهد یهوه بود، به علت عقاید مذهبی خود از پذیرش انتقال خون خودداری نمود و فوت کرد. متهم به قتل غیر عمدی محکوم شد و به این حکم اعتراض نمود که قتل در اثر خودداری بزه‌دیده از دریافت خون اتفاق افتاده است، اما دادگاه تجدید نظر اعتراض وی را رد کرد (Fionda and Bryant, 2000: 130). یکی از جنبه‌های رأی دادگاه در خصوص این پرونده، افزودن عقاید مذهبی بزه‌دیده به شرایطی بود که بزهار باید بزه‌دیده‌اش را با وجود آن‌ها بپذیرد، لیکن جنبه دیگر این رأی آن است که عقاید بزه‌دیده هرچند غیر قابل پیش‌بینی باشد، باید از سوی بزهار مورد احترام و پذیرش قرار گیرد و اقدام

1. R vs Blaue.

بعدی بزه‌دیده هر چند غیر متعارف باشد، چون بر اساس عقاید مذهبی وی صورت پذیرفته است، نمی‌تواند زنجیره سببیت میان رفتار بزه‌کار و نتیجه مجرمانه را قطع کند. البته گفته شده است که رفتار بزه‌دیده بر مبنای عقاید مذهبی، در صورتی مورد پذیرش و احترام است که این عقاید با ارزش‌های اساسی مانند آنچه در قوانین ضد تبعیض گفته می‌شود، منافات نداشته باشد (Elvin, 2017: 55).

در واقع رفتار بزه‌دیده در صورتی رابطه سببیت میان رفتار بزه‌کار و نتیجه را قطع می‌کند که به طور ارادی، آگاهانه و آزادانه واقع شود و به نتیجه زیان‌بار منتهی شود (Bois-Pedain, 2021: 75)؛ در حالی که در موارد فوق، رفتار بزه‌دیده آزادانه فرض نمی‌شود.

موارد پیش‌گفته با مواردی که با عنوان پرونده‌های فرار مطرح است، در تعارض هستند؛ به نحوی که اگر بزه‌دیده در اثر اقدام متهم اقدام به فرار کند و این عمل وی غیر قابل پیش‌بینی و نامتعارف باشد، زنجیره سببیت قطع می‌شود و بزه‌دیده مسؤول نتایج پدید آمده خواهد بود؛ برای مثال، در پرونده رابرتز،^۱ بزه‌دیده که زن جوانی بود، پایش در اثر این‌که خود را از خودروی متهم به بیرون پرتاب کرده بود، شکست. وی بیان داشت که متهم قصد آزار جنسی وی را داشته است و متهم به ایراد صدمه بدنی محکوم شد و نسبت به این حکم اعتراض کرد. دادگاه بیان داشت که این اقدام بزه‌دیده نتیجه قابل پیش‌بینی اقدام متهم بوده است (Loveless, 2102: 94)؛ در حالی که اگر اقدام او غیر قابل پیش‌بینی محسوب می‌شد، بزه‌دیده مسؤول صدمه وارد شده بود.

به واقع، در مواردی که بزه‌دیده تلاش می‌کند خود را از خطری که متهم برایش به وجود آورده است رهایی بخشد، دادگاه هم‌چنان میان رفتار بزه‌کار و نتیجه پدید آمده رابطه سببیت را برقرار می‌داند؛ مگر این‌که اقدامات بزه‌دیده از سوی هیأت منصفه به عنوان غیر معقول یا غیر قابل پیش‌بینی ارزیابی شود؛ که در این صورت زنجیره سببیت میان رفتار متهم و نتیجه قطع می‌شود (Hoxley-binns and Martin, 2014: 48). دادگاه‌ها اصل را بر عدم قطع زنجیره سببیت قرار می‌دهند (Wilson, 2017: 109) و لذا غیر معقول یا غیر قابل پیش‌بینی بودن باید اثبات شود.

1. R vs Roberts.

برای حل تعارض میان پرونده‌های فرار با پرونده‌های مبتنی بر اصل پذیرش بزه‌دیده همان‌گونه که هست (با تمام شرایط جسمانی و روانی وی)،^۱ می‌توان بیان داشت که در دسته اول پرونده‌ها، بزه‌دیده هنوز آسیبی از رفتار بزه‌کار دریافت نکرده است و تنها پس از این‌که خود رفتاری انجام می‌دهد، به وی آسیب می‌رسد؛ در حالی که در دسته دوم از پرونده‌ها، رفتار متهم موجب ورود آسیب به بزه‌دیده شده و رفتار بعدی بزه‌دیده موجب تشدید نتیجه می‌شود (DE Than and Heaton, 2013: 42). البته ترسیم خط تمایز میان این دو همواره ساده نیست و گاهی میان این دو قاعده تعارض پیش می‌آید؛ که در این موارد، قاعده اصل پذیرش بزه‌دیده آن‌گونه که هست، بر قاعده دیگر تقدم دارد؛ زیرا این پرونده^۲ بر پرونده دیگر تأخر دارد و اراده اخیر نظام حقوقی را نشان می‌دهد و با موضوع سیاست عمومی نیز سازگارتر است (Molan, 2001: 73-74). اشخاص باید در اقدامات خود احتیاط‌های لازم را به عمل آورند و مسؤول رفتار خود باشند و غیر قابل پیش‌بینی بودن نتیجه یک رفتار، تأثیری در انتساب نتیجه به رفتار ندارد و می‌تواند در سرزنش‌پذیری بزه‌کار مؤثر باشد؛ به ویژه جامعه صنعتی و مدرن نیازمند گسترش مسؤولیت است تا شرکت‌ها و مالکان صنایع بزرگ در قبال مصرف‌کنندگان مسؤول شناخته شوند.

1. take your victim as you find him or her.

۲. یعنی پرونده شاهد یهوه که با نام R vs Blaue مشهور است.

برآمد

۱- در جرائم مقید، به منظور احراز پیوستگی رفتار به نتیجه (رابطه سببیت)، لازم است عواملی را که قاطع رابطه سببیت است در نظر گرفت. بزه دیده نقش مهمی در احراز رابطه سببیت دارد و در مواردی نیز می تواند قاطع این رابطه باشد. در مرحله نخست، زمانی که رفتار مجرمانه بر روی بزه دیده واقع می شود، وی با داشتن شرایط خاصی می تواند تحقق نتیجه را تسریع کند یا آن را به تعویق اندازد. شرایط جسمانی یا روانی بزه دیده؛ هر چند نامتعارف و غیر قابل پیش بینی باشد، زمینه تأثیر رفتار مجرمانه را فراهم می کند، اما نتیجه به این شرایط منتسب نمی شود و در نتیجه، این شرایط نمی توانند زنجیره سببیت میان رفتار بزه کار و نتیجه را قطع کنند. قانون مجازات اسلامی به تبعیت از متون فقهی، این شرایط و علم یا عدم علم مرتکب نسبت به آن ها را در رکن معنوی جرم مؤثر دانسته است؛ و نه در رابطه سببیت که بخشی از رکن مادی بزه است.

۲- حقوق انگلستان با شناسایی قاعده جمجمه نازک، مرتکب را مکلف می داند بزه دیده خود را آن گونه که هست؛ یعنی با تمام شرایط جسمانی، روانی و حتی عقایدش بپذیرد. وفق این قاعده، ضعف شدید و نامتعارف بزه دیده قاطع رابطه سببیت میان رفتار متهم و بزه دیده نخواهد بود و تنها عدم اطلاع از این شرایط می تواند در رکن معنوی بزه تأثیرگذار باشد؛ در حالی که در فقه و حقوق ایران، شرایط جسمانی و روانی بزه دیده تنها به عنوان شرط و زمینه ساز وقوع جرم شناسایی شده و قاطع رابطه سببیت محسوب نمی شود. محدوده این شروط در حقوق انگلستان گسترده تر بوده و افزون بر شرایط جسمانی و روانی، عقاید مذهبی بزه دیده را نیز شامل می شود.

۳- اقدامات بزه دیده اعم از فعل و ترک فعل، در صورتی که آگاهانه و ارادی باشد، می تواند موجب انتفای رابطه سببیت شود. فقها مثال هایی از ترک فعل ارادی و آگاهانه که باعث قطع زنجیره سببیت میان رفتار بزه کار و نتیجه می شود و نتیجه را به بزه دیده منتسب می کند ارائه داده و صدق عرفی استناد را ملاک قرار داده اند. قانون مجازات اسلامی نیز با تأسی از فقه امامیه، در جایی که بزه دیده با اراده و آگاهی زنجیره سببیت را قطع می کند، خود او را مسؤول می شناسد.

۴- در حقوق انگلستان، در صورتی که بزه‌دیده با هدف گریز از شرایط خطرناک ایجاد شده توسط متهم، اقدامات نامتعارف و غیر قابل پیش‌بینی انجام دهد، زنجیره سببیت قطع خواهد شد و وی خود مسؤول نتایج پدید آمده خواهد بود و در سایر موارد، نامتعارف یا غیر قابل پیش‌بینی بودن اقدام بزه‌دیده، از جمله عدم پذیرش درمان، قاطع رابطه سببیت نمی‌باشد.

۵- این‌که رابطه علیت مربوط به رکن مادی بزه است، مانع از تاثیر حالات روانی در احراز رابطه سببیت نیست. در همین راستا، حقوق انگلستان در زمینه رفتار ارتكابی توسط بزه‌دیده، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را نسبت به متهم اتخاذ نموده است. در فقه و حقوق ایران، رفتار عمدی و آگاهانه بزه‌دیده قاطع رابطه سببیت خواهد بود، اما در حقوق انگلستان، افزون بر عمدی و آگاهانه بودن رفتار، بزه‌دیده باید آزادانه اقدام کند تا رفتار او قاطع رابطه سببیت باشد و اگر رفتار بزه‌دیده ناشی از عقاید مذهبی یا حالات روانی وی باشد، آزادانه محسوب نمی‌شود و لذا نمی‌تواند قاطع رابطه سببیت باشد.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * آقای نیا، حسین (۱۳۹۷)، حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (جنایات)، چاپ هفدهم، تهران: میزان.
- * بجنوردی، سید محمد بن حسن (۱۴۰۱ ق)، قواعد فقهیه، چاپ سوم، تهران: عروج.
- * حاجی ده‌آبادی، احمد (۱۳۹۷)، جرائم علیه اشخاص (قتل)، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * خسروی سلیم، محمدمهدی (۱۳۹۹)، «نقش رکن روانی در رابطه سببیت»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۵۰، شماره ۱.
- * شیرینی، عباس (۱۴۰۱) «درس گفتار حقوق کیفری اختصاصی (آسیب‌های بدنی)»، نیمسال تحصیلی اول ۱۴۰۱-۱۴۰۲، قابل دسترسی در کانال تلگرامی دکتر عباس شیرینی.
- * علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۷۳)، حقوق جنایی، چاپ سوم، تهران: فردوسی.
- * قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۹۴)، تسبیب در قوانین کیفری، چاپ سوم، تهران: جنگل.
- * محسنی، فرید و ملکوتی، نصیر (۱۳۹۴)، «رابطه سببیت در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۹۱.
- * مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۸۵)، دیدگاه‌های نو در حقوق، چاپ دوم، تهران: میزان.
- * میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۶)، جرائم علیه اشخاص، چاپ بیست و چهارم، تهران: میزان.
- * وجدانی فخر، عطیه و وجدانی فخر، طلّیعه و الهی‌منش، محمدرضا (۱۴۰۱)، «رابطه سببیت در جرم و چالش‌های مسؤولیت کیفری با نگرشی به قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۲، شماره ۳.
- * هارت، اچ ال ای و تونی هونوره (۱۳۹۲)، سببیت در حقوق (حقوق کیفری)، برگردان: دکتر حسین آقای نیا و دیگران، چاپ دوم، تهران: میزان.

* یزدانیان، علیرضا (۱۳۷۹)، حقوق مدنی (قلمرو مسؤولیت مدنی)، چاپ نخست، تهران: آیلار.

ب. عربی

* خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ هـ ق)، موسوعه الامام الخویی (مبانی تکملة المنهاج)، جلد چهل و دوم، چاپ نخست، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی ره (نرم افزار جامع فقه اهل بیت علیهم السلام، مؤسسه نرم افزاری علوم اسلامی نور).
* سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ هـ ق)، مهذب الأحكام، جلد بیست و یکم، چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار.

* جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۴۱۰ هـ ق)، الروضه البهیه فی شرح اللعه دمشقیه (المحشی - کلاتر)، جلد دهم، چاپ نخست، قم: داوری.

* جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ هـ ق)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، چاپ نخست، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
* طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)، الخلاف، جلد پنجم، چاپ نخست، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

* نجفی، شیخ محمدحسن (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهل و دوم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
* عراقی، آقاضیاء (۱۴۱۴ ق)، شرح تبصره المتعلمین، جلد چهارم، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

* علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)، قواعد الأحكام فی معرفه الحلال و الحرام، جلد سوم، چاپ نخست، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

* علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه، جلد پنجم، چاپ نخست، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

* فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، جلد یازدهم، چاپ نخست، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

* محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، جلد چهارم، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.

- * محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ ق)، **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، جلد دوم، چاپ ششم، قم: موسسه المطبوعات الدینیه.
- * مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ ق)، **فقه الإمام الصادق علیه السلام**، چاپ دوم، قم: انصاریان.
- * موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا)، **تحریر الوسیله**، جلد دوم، چاپ نخست، قم: دار العلم.
- پ. انگلیسی

- * Ashworth, Andrew (2013), **Positive Obligations in Criminal Law**, First Published, Hart Publishing.
- * Bois-Pedain, Antje Du (2021), **Novos Actus And Beyond: Attributing Causal Responsibility in The Criminal Courts**, Cambridge Law Journal, No 80, pp 61-90.
- * De Than, Claire and Heaton, Russel (2013), **Criminal Law**, fourth edition, Oxford University Press.
- * Elvin, Jesse (2017), **“Causation and legal Responsibility: Take your Victim as You Find Him?”**, Journal of the institute of law, No 1, pp45-59.
- * Fionda, Julia and Bryant, Michael J (2000), **briefcase on criminal law**, second edition, London, Cavendish publishing limited.
- * Garner, Bryan A. (1999), **Black’s Law Dictionary**, Seventh Edition, West Group.
- * Harpwood, Vivienne (2009), **Modern Tort Law**, Seventh edition, Routledge. Cavendish.
- * Herring, Jonathan (2012), **Great Debates in Criminal Law**, First published, Palgrave Macmillan.
- * Hoxley-binns, Rebecca and Martin, Jacqueline (2014), **unlocking the English legal system**, fourth edition, London, Routledge.

- * Jefferson, Michael (2015), **Criminal Law**, twelfth edition, Pearson Education Limited.
- * Lippman, Matthew (2010), **Contemporary Criminal Law**, Second edition, Sage Publication.
- * Loveless, Janet (2012), **Criminal Law (text, cases and materials)**, third edition, Oxford University Press.
- * Martin, Elizabeth A. (2003), **A Dictionary Of Law**, fifth edition, Oxford University Press.
- * Molan, Micheal (2001), **sourcebook on criminal law**, second edition, London, Cavendish publishing limited
- * Wilson, William (2017), **Criminal Law**, sixth edition, Pearson Education Limited.